



سلام

فصل امتحانات!

سلام دوستان خوب و مهربونم. دی ماه داره به آخراش نزدیک می شه و فصل، فصل امتحانات دبستانی هاست. شما چه می کنید با ریاضی و علوم و دیکته؟ سر کلاس، خوب به درس هادقت می کنید؟ توی خونه، با حوصله مشق ها رو می نویسید؟ حواستون هست که توی این سال ها، یکی از مهم ترین وظایف ما بچه ها، فهم و یادگیری درس و موفقیت توی امتحاناته؟ حتما شما هم تجربه کردید که وقتی توی مدرسه موفقیم، اعتماد به نفسمون هم بالاتر و حالمون هم خوب تره. در کنار تلاش در ایام امتحانات، حواستون به سلامتی تون هم باشه و مراقب باشید توی این روزهای سرد و آلوده، خدای نکرده مریض نشید. صبحانه و ناهار و شام رو کامل نوش جان کنید و از خوردن میوه ها، به خصوص میوه هایی که ویتامین ث دارن، غافل نشید.



قصه

قوری غمگین



یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود، قوری بزرگی بود که غمگین بود. پوران خانم و دخترش لیلا، دوهفته قبل آن را خریده بودند. پوران خانم قوری را شسته و تمیز کرده بود تا حسابی شفاف و براق شود. بعد هم آن را در قفسه بلندی در آشپزخانه گذاشته بود. این قفسه، در شیشه ای داشت و قوری بزرگه از آن بالا، همه جا

را می دید. آن پایین، کنار سماور، یک قوری کوچک و قدیمی بود که درش ترک بر داشته بود. قوری کوچیکه فقط می توانست برای چهار نفر چای دم کند. پوران خانم هم همیشه از آن استفاده می کرد. قوری بزرگه هر روز با غصه، به سماور و قوری کوچیکه نگاه می کرد و می گفت: «نمی دونم چرا پوران خانم هیچ وقت از من استفاده نمی کنه؟ من که می توئم برای هفت هشت نفر چای دم کنم. نو و براق هم هستم...» قوری کوچیکه هم که بیشتر وقت ها روی سماور بود، یک روز آهسی کشید و گفت: «قوری بزرگه! دلم برات می سوزه. می دونم تو هم مته من چای دوست داری؛ ولی فکر کنم تورو خریدند که برای قشنگی توی قفسه بذارن! بعد هم بخاری از دماغش بیرون داد و گفت: «وای! خیلی بده که همیشه اون بالا باشی و ما رو تماشا کنی!» چند روز گذشت. یک روز که قوری بزرگه دلش گرفته بود، پوران خانم صبح خیلی زود به آشپزخانه آمد. وسایل ناهار را آماده کرد. بعد هم مشغول پختن شیرینی شد؛ شیرینی های گردویی و نارگیلی! ژله موز و توت فرنگی درست کرد. یک کیک بزرگ هم پخت. روی کیک خامه ریخت و رویش پنج شمع گذاشت. خاله لیلا هم آمده بود و به پوران خانم کمک می کرد. قوری کوچیکه گفت: «فهمیدم! امروز تولد لیلا کوچولوئه. فکر می کنم بعد از ظهر، این جا مهمونی باشه. پارسال هم همین طور بود. یادم میاد خیلی جالب بود. حسابی خوش می گذره، آن روز برای قوری بزرگه اتفاق قشنگی افتاد. پوران خانم و خواهرش غروب به آشپزخانه آمدند. پوران خانم به خواهرش گفت: «امسال دیگه مجبور نیستیم توی قوری کوچیکه چندبار چای دم کنیم. دوسه هفته پیش به قوری بزرگ خریدم و راحت...» بعد هم با احتیاط قوری بزرگه رو برداشت و چند قاشق چای خشک و بعد هم آب جوش توی قوری ریخت و روی سماور گذاشت. قوری بزرگه با خوشحالی و ذوق گفت: «وای چه چای خوش عطری!» سماور و قوری کوچیکه لبخند زدند و گفتند: «به جمع ما خوش اومدی!»

شعر

گر به و کاموا

نمی دونست توپش کجاست، گر به سیاه ناqlا
با کاموا توپ بازی می کرد، اون گر به سر به هوا
کاموا می گفت: گر به جونم، هر چیز گردی گردو نیست
گلوله کاموایی هم، کرده ولی توپ تو نیست
گر به سیاه گوش نمی کرد، کاموا دلش خیلی شکست
قوری و بی معطلی، دست و پای گر به رو بست!

شاعر: عفت زینلی

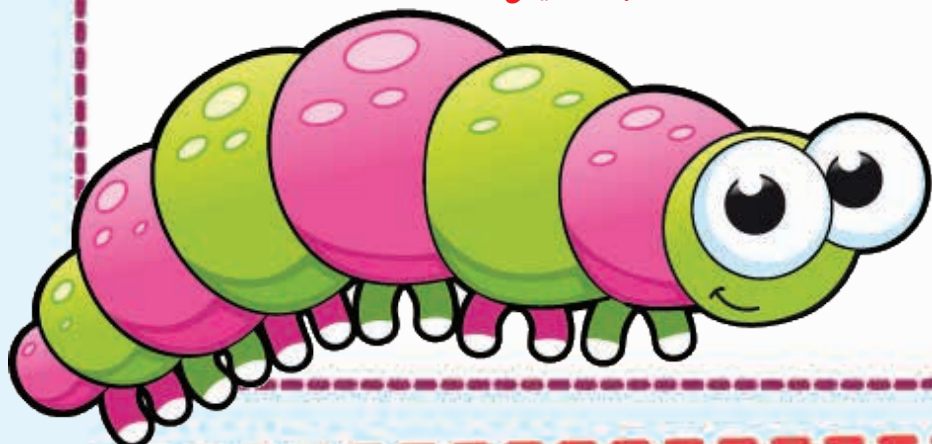


شعر

کرم گرسنه

تو خونه دیدم امشب، من به کرم درختی
شاید دلش شام می خواست، اون می خزید به سختی
وقتی که دید نداریم، حتی به برگ کوچک
ایستاد و دیگه نگشت، کرم درختی طفلک!
من بُردمش تو کوچه، خزید زیر نور ماه
خدا کنه که این بار، دیگه نره اشتباه...

شاعر: عفت زینلی



شکستگی استخوان چیه؟

استخوان شکسته چه جور ترمیم می شه؟

دانشنتی ها

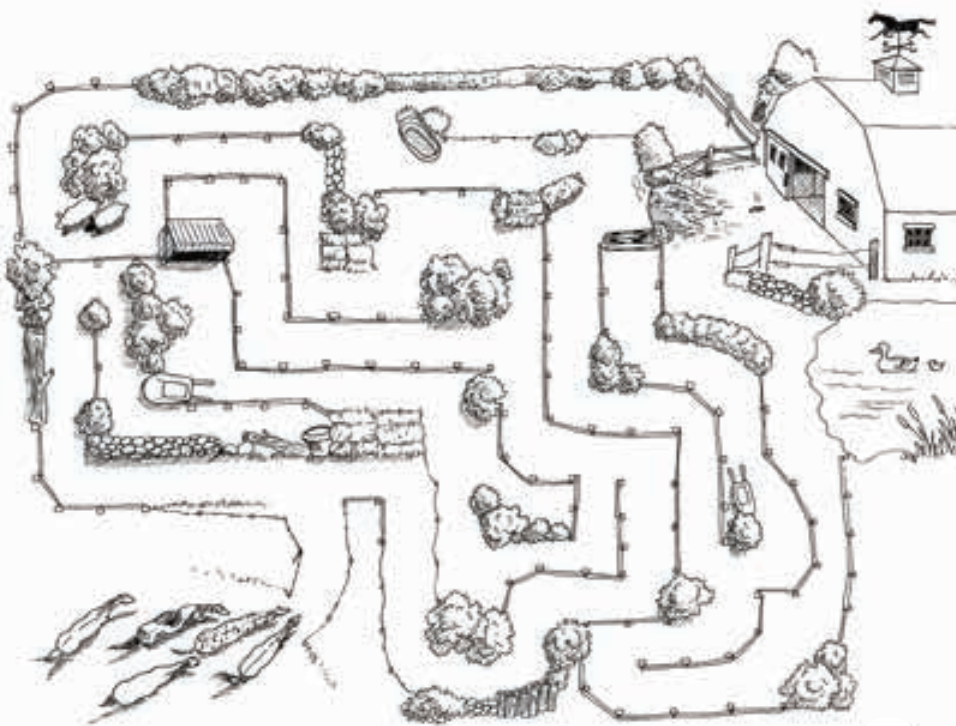
بچه ها! شاید گاهی دیده باشید که دست یا پای دوستانتون به خاطر بی احتیاطی و شیطنت شکسته یا حتی ممکنه خودتون شکستگی استخوانی از استخوان های بدن رو تجربه کرده باشید. اما شکستگی استخوان چیه و در ادامه، استخوان شکسته چه جوری جوش می خوره؟

- استخوان های بدن ما، هر کدام بسیار سفت، سخت و محکم اند. استخوان، ۳۰ بار بیشتر از یک آجر ساختمانی، تحمل حمل بار دارد.
- نیرومندترین استخوان بدن، استخوان قلم پاست که می تواند وزنی حدود ۱۷۰۰ کیلوگرم را تحمل کند!
- با همه این ها، گاهی استخوان ها به دلیل ضربه شدید می شکنند.
- تعمیر کردن یک استخوان شکسته، شباهت بسیار زیادی به چسباندن قطعات شکسته یک ظرف چینی دارد. با این تفاوت که پزشک شکسته بند، به قطعات شکسته استخوان، چسب نمی مالد!
- وصل شدن دوباره و چسبیدن قطعات یک استخوان شکسته، وظیفه «بافت پیوندی» است. به این شکل که ناحیه شکسته، ابتدا با لخته های خون، بسته بندی می شود، سپس چیزی نمی گذرد که سلول های تازه و جوان استخوان که سرشار از کلسیم است، متولد شده و دست به کار می شوند و ظرف سه روز، آن قدر تکثیر می شوند که بافت جدیدی شبیه چسب تولید می کنند تا سر استخوان های شکسته را به هم وصل کنند.
- حتما دیدید که وقتی استخوانی می شکنند، آن ناحیه را گچ می گیرند. این کار برای این است که استخوان های شکسته کاملا بی حرکت بمانند، جابه جا نشوند و صاف و درست، جوش بخورند و ترمیم شوند.



سرگرمی

بچه ها! هوا داره تاریک می شه و این اسب ها که صبح برای چریدن و دویدن بیرون رفته بودند، باید به اصطبل بر گردند. می تونید کمکشون کنید تا راهشون رو پیدا کنند؟



نقاشی

روی دست

خلاقیت

دوستان خوبم! تکنیک نقاشی روی دست، از روش های خلاقانه نقاشیه که هم دیدنش و هم انجام دادنش، می تونه جالب باشه و سرگرمتون کنه. این نمونه نقاشی های روی دست رو ببینید.

